

از : دکتر کریم گودرزی

عضو انجمن بین‌المللی تحقیقات کشاورزی

## موانع پیشرفت کشاورزی در ایران

بیش از چهار سال و نیم از زمانی میگذرد که مرحله اول اصلاحات ارضی آغاز گردیده و عملیات اجرائی مرحله دوم بهمان ترتیب که اعلام شد لازم بود در انقضای سال ۱۳۴۷ تمام شود. شروع مرحله سوم که بآن مرحله افزایش تولیدات کشاورزی نام نهاده‌اند در دیماه سال گذشته آغاز گردید و با خاتمه عملیات اجرائی مراحل اول و دوم و آغاز مرحله سوم، بیشک اجتماع روستائی ایران شکلی دیگر بخود خواهد گرفت بنابراین اگر اظهار شود که امروز کشاورزی ایران در مراحل اولیه تکاملی یک سلسله تغییرات قابل مطالعه را میگذراند سخنی بخطا گفته نشده است. هدف از اصلاحات ارضی در مرحله اول الفاعرژیم «ارباب‌ورعیتی» و دگرگونی سیستم مالکیت عمده و بالاخره زمین‌دار شدن دهقانان بود. در مرحله دوم با اجرای سه روش انتخابی خرید، واگذاری و اجاره‌گسترش و بسط هرچه بیشتر عدالت اجتماعی، محو تضاد و تعارضها و تعمیم دموکراسی در دهات مراد و هدف بشمار میرفت و منظور از مرحله سوم صرفنظر از جنبه‌های اجتماعی آن صرفاً افزایش کمی و بهبود کیفی تولیدات کشاورزی است که بامید رسیدن باین مرحله باید هر نوع مانع و رادعی که پیشرفت کشاورزی را در پیمودن این راه صعب و دشوار متوقف یا سد کند برطرف کرد.

یکی از موانع عمده پیشرفت کشاورزی در ایران مشکل بیکاری پنهانی، روستائی، کم کاری و کار غیر موثر است که در دهات وجود دارد. وجود بیکاری مزمن و مخفی در مراکز روستائی تابع شرایط چندی نظیر شرائط محیط، مختصات اقلیمی فصلی بودن و محدودیت فعالیتها، کمی درآمد در بخش کشاورزی، فقد منابع تولید غیر کشاورزی در دهات. نبودن صنایع کوچک محلی و نظائر آن است.

مشکل بیکاری همیشه در دهات ایران وجود داشته است. در مرحله اول اصلاحات ارضی مجریان قانون با نیروی عظیم و غیر قابل مقاومتی که در دهات

بنام «پيله ور» «خوش نشين» و افراد غير زارع يا زارع بي نسق وجود دارد . وریشه نگرانيهای حاصل از بسط و گسترش اين نیرو های اضافی است مواجه بودند و در مرحله دوم و در شرائط فعلی بیشتر از مرحله اول اين مشکل خودنمایی میکند . طبق يك برآورد از ۶ ميليون دهقان که در بخش کشاورزی ايران فعاليت دارند اينعه نصف سال بيکار هستند و در نصف ديگر سال اگر تعداد آنان به ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش پيدا کند اين کاهش بهيچوجه در ميزان محصول تاثير نخواهد داشت . استناد برقم ۶ ميليون براساس اين محاسبه است که اگر فرض شود ۷۵ درصد تقريب از ۴۴ ميليون جمعيت تقريبي ايران از کشاورزی امرار معاش کنند و در نظر بگيريم هر خانوار از ۵ نفر تشكيل ميشود باين ترتيب حدود ۴/۵ ميليون خانوار زارع در ۴۹۰۰۰۰ تعداد تقريبي دهات ايران وجود دارد و اگر شوهر يا سرپرست خانوارها به عنوان يکنفر کارگر و بقيه افراد خانوار را هم يکنفري جمعاً دو نفر کارگر در هر خانوار فرض کنيم جمعاً حدود ۶ ميليون کارگر کشاورزی خواهيم داشت که البته همانطور که گفتيم بيشتر آنها در قسمت عمده از سال بيکار هستند و از تعداد محدود باقيمانده نيز فقط عده معيني در سال کمتر از ۱۰۰ روز کار میکنند و طبق يك محاسبه کار همين ۶ ميليون زارع را بايد ۱۵ ميليون کارگر انجام دهد و بقيه ۵۰ ميليون نفر ميتوانند در ساير امور توليدی مشغول شوند .

مشکل دوم موضوع کم بهره وری و کم بهره دهی فعاليت های کشاورزی در مقام قياس با امور صنعتی است و تنها عاملی که ببالا بردن ظرفيت توليد و کارائی زارع کمک میکند مسأله تکنولوژی است و آنچه بايد در اينمورد انجام شود مدرنيزه کردن کشاورزی و استفاده از تکنیک مترقی در توليد است .

سهم تغييرات تکنولوژیکی در پیشرفت کشاورزی در نيم قرن اخير واقعاً اعجاب آور میباشد . تغييرات تکنولوژیکی مشتمل بر تغييرات مکانیکی و بیولوژیکی است . منظور از تغييرات بیولوژیکی تغييراتی است که جهت افزايش محصول و افزايش ميزان عملکرد در واحد سطح ، در يك واحد دامی و نظائر آن وجود دارد . تغييرات مکانیکی بتحويلات ماشینی و جایگزینی نیروی ماشینی بجای نیروی کاردستی و کارگر اطلاق ميشود و تغييراتی که واجد هردو اثر هستند اين تغييرات را «بیومکانیکی» مينامند . در نتیجه اين تغييرات در شرائط فعلی يك کارگر کشاورزی توانائی آنرا دارد که برای ۱۵ نفر علاوه بر خود غذا توليد کند در حالیکه در سال ۱۹۴۰ برای ۹ نفر و در ۱۸۲۰ برای ۳ نفر و کمتر توليد ميکرده است . در آمریکا ۷ ميليون کارگر کشاورزی برای ۳۰۰ ميليون جمعيت غذا توليد میکند و قدرت توليد هر زارع برابر ۴۰ زارع ایرانی است که اين تفاوت فاحش مربوط به پیشرفت های تکنولوژیکی و استفاده از تحولات بیولوژیکی

بخصوص بر اثر ماشینی ساختن کشاورزی است شرط اساسی برای پیشرفت کشاورزی مکانیزه ساختن فعالیت های تولیدی است و بسط و توسعه کشاورزی جز از طریق مکانیزاسیون عملی نخواهد بود .

در ممالک پیشرفته معمولاً برای هر ۱۲-۱۰ هکتار زمین زراعی يك تراکتور بکار می رود و طبق ارقامی که در مورد توزیع سطح کل کشور بین قسمتهای مزروع و غیر وجود دارد و با محاسبه تعداد تقریبی ۴۹۰۰۰ دهات کشور و تراکتور های آماده بکار که ۹۰۰۰ بر آورد میگردد تقریباً بهر دهکده در ایران يك تراکتور خواهد رسید در حالیکه در آمریکا ۴۵ میلیون تراکتور - آلمان ۱۴ میلیون . انگلستان ۸۵۰۰۰۰ هزار - فرانسه ۷۵۰۰۰۰ - ایتالیا ۴۳۰۰۰۰ - چکسلواکی ۲۳۰۰۰۰ و در ترکیه کشور همجوار و همسایه ما ۶۵۰۰۰ به نسبت هر ۵۰ هکتار يك تراکتور وجود دارد و در ایران نسبت بسطح کشت بهر ۵۰۰۰ هکتار يك تراکتور میرسد و باین ترتیب ملاحظه میشود که احتیاج به استفاده از تراکتور بمیزان وسیعی در کشور موجود است . بعلاوه کشاورزی ایران از کمبود اراضی مستعد کشاورزی در مضیقه نیست و از ۱۶۴ میلیون هکتار مساحت کل کشور که بالغ بر ۳۰ میلیون هکتار آن قابل کشت و زرع است فقط ۶ میلیون هکتار یا ۴ درصد مساحت کل ایران زراعت میشود استفاده از ۲۴ میلیون هکتار اراضی اضافی توسعه و بسط مکانیزاسیون را اثر نمی سازد . يك مسأله مهم دیگر مشکل تأمین غذای اضافی برای تأمین احتیاجات غذائی جمعیت اضافی مملکت است که نسبت بمطالعه این امر که از مهمترین مشکلات مملکتی است نمیتوان اغماض کرد . طبق بررسی در عرض سی سال آینده جمعیت ایران از ۲۲ میلیون نفر جمعیت تقریبی فعلی بحدود ۴۵ میلیون نفر افزایش خواهد یافت . ازدیاد جمعیت در ایران بین سال های ۳۴-۱۳۲۷ حدود ۲۲ و ازدیاد محصول ۳۸ درصد و نتیجتاً اضافه محصول ۱۶ درصد بوده در حالیکه آمار بین ۴۲-۱۳۳۴ نشان میدهد که ازدیاد جمعیت در این مدت ۲۵ درصد ولی درصد ازدیاد محصول ۳۳ و در نتیجه اضافه محصول ۸۰ است و بالنتیجه با مقایسه دوره اول ۸۰ کمتر بوده و باسانی میتوان پیش بینی کرد اگر فکر اساسی برای ازدیاد نسبی محصول در سال های آینده نشود کار بجائی خواهد رسید که نه تنها ازدیاد محصول متناسب با ازدیاد جمعیت نباشد ( ۲۵ درصد فعلی ) بلکه این عدم تعادل مرتب رو باز دیاد خواهد بود . این ارقام نشان میدهد که ما بیش از پیش باید در توسعه منابع کشاورزی و تغذیه بکوشیم زیرا نسبت درصد ازدیاد جمعیت بطور منظمی در حال پیشرفت است و از طرف دیگر برابر تحقیقاتی که بعمل آمده منابع کشاورزی و تغذیه ایران استعداد توسعه ۴۰۰ برابر بیشتر از ظرفیت فعلی را دارد و میتوان با استفاده از تکنولوژی نو و مکانیزاسیون کشاورزی این مشکل را حل کرد . ولی مسأله مهم که جزء لاینجزای

مکانیزاسیون کشاورزی است پدیده صرفه جوئی دراستفاده از نیروی کارگراست و با بکار بردن بیشتر ماشین آلات نتیجتاً تعداد بیشتر زارع در دهات بیکار خواهد شد و باین ترتیب بر تعداد ۵۰ میلیون نفر کارگر اضافی موجود در عرض سی سال آینده که افزایش جمعیت ایران تا حدود ۴۵ میلیون نفر قابل پیش بینی است بر اثر بسط و توسعه مکانیزاسیون کشاورزی تعداد بیشتری بتعداد افراد بیکار فعلی افزوده میشود ولی این مشکلی است که بهرحال وجود دارد چون مکانیزه ساختن کشاورزی همانطور که گفتیم شرط اصلی و لازم برای توسعه و پیشرفت کشاورزی محسوب میگردد و از تحقق این هدف بصرف بیم و وحشت از افزایش نیروهای کار اضافی نمیتوان صرف نظر کرد منتهی برای سالم سازی جریان و حل این مشکل میبایست فکر چاره بود که ضمن ترویج و پیشرفت مکانیزاسیون و معرفی تکنولوژی نو مشکل تورم نیروی کار اضافی نیز مرتفع گردد. یکره منطقی برای حل این مشکل ترویج صنایع روستائی اعم از دستی و خانگی Cottage Industry و صنایع کوچک مرتبط با کشاورزی Rural Industry و گسترش آنها طبق نقشه در دهات و مناطق ایلات نشین است که تا حد لازم به حذف بیکاری مزمن، کم کاری و کار غیر موثر در دهات و افزایش درجه بهره وری و بهره برداری از فعالیتهای تولیدی کشاورزی و بالتبجه افزایش درآمد سرانه فردی و افزایش درآمد ملی کشاورزی کمک میکند و هدف نوبینی برای کشاورزی بوجود میآورد.

استفاده از کارگران ارزان فصلی و دسترسی بی بازار فروش نزدیک. عدم احتیاج بجاده و خطوط ارتباطی مجهز و دسترسی بمواد اولیه و خام ارزان عواملی است که سیاست توسعه صنایع روستائی را در دهات ممکن میسازد.

در مملکتی نظیر مملکت ما که موضوع کمبود کارگر و نیروی کار وجود ندارد و میزان سرمایه گذاری در امور کشاورزی ناچیز است و اصولاً بحث کمی سرمایه و یا بعبارت اجتماعی مسئله عدم رغبت سرمایه گذاری یک عامل و پدیده منفی بشمار میرود برای ایجاد رغبت در مردم و جلب سرمایه های کوچک و پراکنده و حداکثر استفاده و بهره برداری از آنها باید در رشته هائی بیشتر سرمایه گذاری و فعالیت شود که از حداقل سرمایه گذاری با اطمینان نسبی و در حداقل مدت حداکثر بهره برداری شود. در صنایع کوچک معمولاً میزان سرمایه گذاری کمتر از صنایع سنگین و اساسی است و برای ممالک رو بر شد که با مشکل کمبود سرمایه برای سرمایه گذاری در فعالیتهای عمرانی مواجهند طبعاً تمهید سرمایه برای واحدهای کوچک صنعتی بر مراتب سهلتر از واحدهای بزرگ است. یک نکته دیگر در مورد سرمایه گذاری اینست که در نواحی که طبق یک عرف و سنت قدیمی مسیر سرمایه گذاری بیشتر در جهت فعالیت های کشاورزی است معمولاً تغییر ناگهانی این مسیر عملاً و برای مدتی مشکل است و مشکلات این که سرمایه داران دهات و سرمایه های متفرق و پراکنده

موجود دردهات را بسرمایه گذاری در امور صنعتی و در شهرها راضی وقایع نمود. این نوع مالکین را بمرور زمان باید با طرز تفکر صنعتی آشنا نموده و یگراه اساسی و واقع بینانه برای ممالکی که فعالیت‌های انقلابی اصلاحات ارضی را پشت سر گذارده اند این است که به صنعتی ساختن کشاورزی توجه کنند که از سرمایه‌های موجود در مملکت نهایت استفاده بعمل آید و اینکار را با ترویج صنایع روستائی و سرمایه گذاری برای این نوع فعالیتها نمیتوان انجام داد. اصولا سرمایه گذاری بزرگ در صنایع سنگین زمانی مقرون بصرفه است که تشکیلات کاملا مجهزی در راس آن قرار گیرد استفاده غیر موثر و ابتدائی و ناقص از کارخانجات تولیدی، نامرغوبی جشن تولید شده، ضعف و نقص مدیریت فنی. نبودن بازار فروش و فقدان مواد خام از جمله ابتلائات و مشکلات اصلی کشورهای رو بر شد که مصمم به صنعتی ساختن خود هستند محسوب میشود. تربیت کارگران متبحر و آزموده بصرف وقت و سرمایه گذاری در امور آموزشی محتاج است و بهمان نسبتی که صنایع پیش میرود و توسعه پیدا میکند عیناً به تبحر و مهارت بیشتر محتاج میشویم در عوض باید بخاطر سپرد که نیروهای مبتدی یا نیمه متخصص که برای صنایع سنگین و پیشرفته مفید نیستند ممکنست تا حدود زیاد در صنایع کوچک قابل استفاده باشند در صنایع اساسی و بزرگ برای اداره آنها وقتی اقتصاد صنعتی و مدیریت محدود بچهار چوب حکومت خانوادگی گردد انتخاب مدیران قوی و کار آزموده عمل بینهایت صعب و مشکلی است ولی اگر واحد تولید صنعتی بزرگتر از حد متعارف نباشد طبعاً انتخاب مدیر سهلتر است و مشکلی بنام مدیریت خانوادگی که از ابتلائات ممالک رو بر شد نظیر ایران و ممالک مشابه است کمتر وجود پیدا میکند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی